

تماشا خانه

باحشنواره تئاتر فجر

شب اودیسه ایرانی

رضا آشفته

● شامگاه سه‌شنبه ششم بهمن، شب نمایش «اودیسه» نوشته امین طباطبایی و کار آرش دادگر بود که برای دومین‌شب پیاپی نشان داد که تئاتر ایران به مرزهای قابل‌اعتنای تئاتر جهانی با گذاشته و می‌تواند با مثال‌هایی این‌چنین، باعث تحول و دگرگونی تئاتر در ایران شود.

برده اول: آنچه دیدیم

آرش دادگر لحظات و تابلوهایی از اولیس را به ما می‌شناساند که در متن هومر و دیگران نیست بلکه او توانسته در بازنگری به این اسطوره یونانی ماجراجویی‌هایش در واکنش به مباحث فلسفی و دینی، هنری و فرهنگی و حتی اقتصاد و سیاست و علم را نمایان کند؛ انسانی جامع‌الاطراف که بسیار کنشگر و تیزهوش می‌نماید و از هر چیزی به درک درست خواهد رسید. چنانچه در ابتدا از فره‌بازی چون هیولایی می‌هراسد اما وقتی از آن خوشش می‌آید و دلستاش می‌شود، به مطالعه چگونگی حرکتش می‌پردازد و حتی گشتاوش را هم محاسبه می‌کند و از منظر علمی به این پدیده زیبا و بازیگوشانه توجه و التفات نشان می‌دهد. بنابراین نمایش اودیسه در شکل هم به‌دنبال ایجاد تابلوهایی است چندگانه که بشود درک ما نسبت به هستی را بر مبنای کنشگری و سفر درازمدت اولیس نمایان کند.
سفر از چنین خاصیتی برخوردار است که بتواند انسان را دچار دگرگونی کند تنها به این دلیل که مرارت موجود در سفر ذهن را متمرکز بر مفاهیم عالی خواهد کرد و شناخت در آن امری عادی است. برای همین روال و شیوه اجرایی متکی بر سفر می‌تواند در بازنمایی این شناخت و تأمل برانگیزی نسبت به مکاشفات یک انسان آگاه و روشنگر تأثیرگذار باشد.
نمایش «خانم» برگرفته از کلفت‌های ژان ژنه، نمایش‌نامه‌نویس قرن بیستم فرانسه، است و در این فرایند بر آن بوده است که بتواند دنیای دیگری که کاملاً ذهنی‌تر است را بر دنیای ژان ژنه وضع کرده‌اند.
نمایش کلفت‌ها:
ژان ژنه بازی‌دربازی دو کلفت است که می‌خواهند بانوی خانه را به دلیل تحقیرها و توهین‌های ممتد از بین ببرند. امیرحسین طاهری خلاصه‌ای از آن را در بازخوانی‌اش آورده و با این رویکرد دیگر بر حضور خانم یا بانو خط کشیده است و این دیگر یعنی مواجهه ما کاملاً ذهنی شده است چون در متن ژنه تقابل ذهن و عین مدام چالش برانگیز است اما در اینجا الی (الهام التوره خسروی) و سالی (صالحه آقاییگی) نسبت به این خانم ذهنیت خود را در بازی‌دربازی‌ها آشکار می‌کنند و نوع مواجهه دالتل بر تئاتر دارد چون در ته صحنه هم پرده ویدئوپروچکشن گذاشته شده است که برای لحظاتی تابلوهایی از لکه‌های خون را به نمایش می‌گذارد که درواقع پایان‌بخشی این قتل در این خون‌ریزی‌ها نمود می‌یابد.

برده دوم: آنچه می‌بینیم

امروز پنجشنبه هشتم بهمن، شاهد حضور هملت، کار توماس اوستر مایر آلمانی هستیم که تا اینجا هم هیاهوی بسیاری برای اجرایش بوده است چون یک نمایش و نگاه قابل‌پذیرش با استانداردهای جهانی را با خود به ایران آورده است و این همان چیزی است که ضرورت اجرایش را برای ما بیشتر می‌کند.
علیرضا کوشک‌جلالی که در یک حرکت ملی در شهرهای مختلف ایران نمایش کار کرده است، این‌بار از لنگرود نمایش رنغا را به مسابقه ایران تئاتر فجر رسانیده است. او که کارگردانی ایرانی و آلمانی است همواره حضورش قابل‌تأمل بوده. همچنین از بلژیک خلد راسم دو نمایش انقلاب بدن و انتظار را اجرا می‌کند که باید مورد توجه واقع شود.
همچنین از لرستان امین ابراهیمی با ترانه‌ای برای تو و احسان ملکی با چر حتما در حد انتظار خواهند بود.
محمد میرعلی‌اکبری هم کارگردان نوجویی است که این‌بار در فجر با نمایش سفر به بی‌نهایت شرکت کرده است.
جمعه نهم بهمن نیز روز اسپانیایا با نمایش «خانه‌ای در آسیا» خواهد بود و همچنین کارگردان‌هایی چون پیام دهکردی با «هیچکس نبودم بیدارمان کند»، نادر برهانی‌مرند با در خواب دیگران و از میان شهرستانی‌ها حسن سبحانی با زمانی برای گاوهاй شیرده و پیمان کریمی با «مرگ کسب‌وکار من است» که به‌حتمل فاز هم حرفی برای گفتن خواهند داشت.

پیشنهاد روز

رونمایی از «چسب وقیحی…»

● شرق: رمان «چسب و قیچی در گزارش یک ذهن اجاره‌ای» نوشته علی قنبری امروز پنجشنبه هشتم بهمن ساعت ۱۸ رونمایی می‌شود. در توضیح این کتاب که از سوی انتشارات بوتیمار منتشر می‌شود، آمده: این اثر رمانی متفاوت است که روایت و لحنی طنزگونه، غریب و بسیار پرکشش و جذاب دارد.
راوی که شاعر و مهندس حفاری است همچون سندباد بحری، ما را طی سفرهای متفاوت به بنگلادش، عراق، ترکیه، تایلند و به شکم یک نهنگ می‌برد. کافه‌نشین‌هایی در جنوب را روایت می‌کند.
نحوه طبع قلیه‌ماهی را به ما می‌آموزد و از اینکه چطور شعر می‌نویسد. سراسر رمان روایتگر رابطه عاشقانه اوست.
علاقه‌مندان به حضور در این مراسم می‌توانند به آدرس خیابان ولیعصر، بالاتر از زرتشت، پلاک ۲۱، مؤسسه مطالعاتی بهاران، کافه بهاران مراجعه کنند.

شرق: کیارستمی که این‌روزها در کوبا به سر می‌برد، گفته است محدودیت‌ها به او کمک کرده. کارگاه فیلم‌سازی عباس کیارستمی در کوبا از روز سه‌شنبه، ششم بهمن، در مدرسه فیلم‌سازی و تلویزیون هاوانا برپا شد. این کارگاه به مدت ۱۰ روز ادامه خواهد داشت. یک روز پیش از شروع این کارگاه، این کارگردان ایرانی جایزه توماس گوتیزر را که جایزه اتحادیه ملی نویسندگان و هنرمندان کوبااست، دریافت کرد. او درحالی این کارگاه را در هاوانا برگزار کرده است که تاکنون دیگر فیلم‌سازان شناخته‌شده‌ای مانند فرانسس کاپولا، جرج لوکاس و اسپایک لی نیز کارگاه فیلم‌سازی در این مدرسه برگزار کرده‌اند.

خبرگزاری اسپانیایی EFE در گزارشی که به مناسبت برگزاری این کارگاه منتشر کرده، آورده است در این کارگاه ۴۵ نفر از ۲۵ کشور دنیا تحت راهنمایی «شاعر سینما» قرار می‌گیرند. این خبرگزاری بیان کرده است تصویرهای کیارستمی متأثر از مطالعات او از شعر فارسی است و تأکید او در این کارگاه، بر رابطه میان خلق‌کردن و کمبود منابع است.

در ادامه این گزارش به نقل از کیارستمی بیان شده است: «محدودیت‌ها شخصا به من کمک کرد» و در بخش دیگری آمده این فیلم‌ساز ایرانی، کیفیت فارغ‌التحصیلان مدرسه فیلم‌سازی و تلویزیون هاوانا را مورد ستایش قرار داده است.

این خبرگزاری اسپانیایی نوشته کیارستمی تأکید کرده است نقش آموزگاران، ابلاغ‌کردن دانش به دانش‌آموزان نیست و درادامه، به نقل از او، افزوده: «سینما را نمی‌توان آموزش داد همچون دیگر هنرها. آموزش هنر نتیجه حس کنجکاوی با کنکاش است.

مهدی جوانبخت: لوران فرونو؛ نویسنده، بازیگر و کارگردان نمایش هیولاهاشما که از کشور فرانسه در سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر شرکت کرده است. مخاطب نمایش او کودکان هستند، اما از خنده‌های تماشاگر بزرگ‌سال ایرانی هم می‌شد فهمید که آنان نیز تا چه حد با این کار ارتباط برقرار کرده‌اند و آیا کودک درونشان هنوز کودک است؟ به بهانه اجرای هیولاه با فرونو گفت‌وویی ترتیب داده‌ایم.

● **ایده نمایش هیولاه از کجا شکل گرفت؟**

شرکت تئاتری من، از سال‌های پیش کار روی یک‌سری نمایش درباره هیولاه را آغاز کرد. البته این نمایش‌ها در آغاز فقط برای بزرگ‌سالان بود.

● **نام شرکت تئاتری شما چیست؟**

نام شرکت ما Label Brut است که توسط من و دو مدیر هنری دیگر اداره می‌شود.

● **چند نمایش با این درونمایه روی صحنه برده‌اید؟**

دو نمونه کار با این تم را روی صحنه بردیم. نخستین نمایش «جهنم» نام داشت که درباره یک زن بود. درواقع تک بازیگری بود که تک‌گویی می‌کرد و قانع شده بود که یک همزاد درونش دارد. نمایش دیگر «ویکتور، چگونه یک هیولا بسازیم؟» است که در مورد قاتلین است و زندگی روزانه رفت‌آور یک قاتل را به تصویر می‌کشید. باز هم تکرار می‌کنم که این نمایش‌ها فقط برای بزرگ‌سالان تولید شده بود.

● **چه شد که بعد از این دو کار برای بزرگ‌سالان، به فکر تولید نمایشی برای کودکان افتادید؟**

وقتی این دو کار به روی صحنه رفت، من به همکارانم گفتم که غیرممکن است بدون آنکه نمایشی درباره ترس و با موضوع هیولاه برای کودکان بسازیم؛ تولید این سری نمایش را پایان ددیم. مهم برایم این بود که این نمایش بدون کلام و فقط براساس تصویر باشد.

● **آیا هدف اصلی از این کار همان پیام نمایش برای کودکان است؟**
بله، درواقع می‌خواستم به کودکان بگویم که بدترین هیولایی که وجود دارد، درون خود ماست و نه جای دیگر. و باید که با این هیولا یا هیولاهای دیگر درونمان کنار بیاییم و با آنها زندگی کنیم. حتی باید بتوانیم آنها را رام کنیم.

● **رام‌کردن ترس برای کودکان جز با خنده و ریشخندکردن ترس حاصل نمی‌شود.**

بله، همین‌طور است. اما می‌خواستم به آنها بگویم که ترس یک نوع سلاح است. برای اینکه بچه‌ها همیشه روی مزن بین ترس و امنیت هستند و کافی است تا این ترس به خنده تبدیل شود تا آنان احساس امنیت کنند. من از خودم می‌پرسم که فانتزی‌ها کجا هستند و از چه و به چه می‌توانیم بخندیم. او به سالن اجرای من آمده تا سرگرم شود، لذت ببرد و حتی بخندد. پس ترس هم مانند خنده یک سلاح است.

● **این ترس برای بزرگ‌سالان هم یک سلاح است.**

هنر



علی عیسی EFE

گزارش کارگاه فیلم‌سازی کیارستمی در کوبا

«شاعر سینما» در هاوانا

همه آنچه در کارگاه انجام می‌دهیم، این است که دانش‌آموزان را هدایت کنیم تا جواب سؤال‌هایشان را پیدا کنند». همچنین از او درباره گرم‌شدن روابط میان آمریکا با ایران و کوبا سؤال شده که او چنین پاسخ داده است: «این فرایند هنوز بسیار تازه است و برای تحلیل و پیش از اینکه آنها به صحنه نمایش بزرگ‌تری بیایند، به زمان نیاز است». این کارگردان ۷۵ساله بیان کرده است

به سمت فیلم‌های کوتاه تجربی که در زمان جوانی و

گفت‌وگو با لوران فرونو کارگردان نمایش هیولاه

همه ما هیولایی درونمان داریم



عکس: sylvain sechet

بله، ولی فراموش نکنید که وقتی والدین می‌توانند از ترس کودکان از هیولاه، برای کنترل‌کردن بچه‌ها استفاده کنند؛ در عوض بچه‌ها هم می‌توانند با ترس‌هایشان بازی کنند به قصد کنترل‌کردن والدیشان. امروزه ما دورانی را در فرانسه سیری می‌کنیم که با دو جریان روبه‌رو هستیم. نخست خود موضوع ترس است و دیگری ترساندن مردم و به بازی گرفتن آنها با ترس. درحالی‌که ترس نیروی دیگری است. یک غریبه است و از جهان بیرون می‌آید. من می‌خواستم موضوع ترس را با لحنی خنده‌دار و خیلی ساده برای کودکان بازنمایی کنم.

● **در این کار شما با استفاده از حداقل وسایل به ساخت عروسک پرداخته‌اید. ایده کار که از ابتدا عروسکی نبود.**

خیر، ایده کار از ابتدا عروسکی نبود. من هم خودم را یک عروسک‌گردان نمی‌دانسم. البته قبلاً با کمپانی فیلیپ ژانتی که اساس کارش تئاتر عروسکی است، به‌عنوان عروسک‌گردان همکاری می‌کردم. ولی این امر به این معنا نیست که من عروسک‌گردان هستم. من یک تئاتری هستم.

● **آیا پیش از این هم در کارهایتان از وسایل به‌عنوان عروسک استفاده کرده‌اید؟**

در کمپانی ما سال‌هاست که از این تکنیک استفاده می‌کنیم. از وسایل و ابزارآلات و اصولاً هرچه که بتوان از آن تصویری ساخت، استفاده می‌کنیم. در کارهای پیشین هم از هر وسیله به‌دردبخوری برای اجرا استفاده کردیم.

● **درباره بازی بی‌کلام و سکوت در کارتان بگویید.**

ببینید وقتی من به‌عنوان بازیگر، نمایش بی‌کلامی روی صحنه می‌برم تماشاگر قصه را خود در ذهنش می‌سازد. اما وقتی من حرف می‌زنم، ذهن و گوش او فقط به من گوش می‌کند و خودش قصه‌ای نخواهد ساخت. پس من سکوت می‌کنم تا ذهن او حرف بزند. مثلاً وقتی پتوی بزرگ می‌آید و من تصرف می‌کند و به عبارتی مرا می‌بلعد، مطمئن هستم که هر تماشاگری خیال و قصه خودش را دارد؛ موضوعی که در تئاتر ایزه من را اذیت می‌کند نادیده‌گرفتن ذهن تماشاگر فعال است.

از ماست. او یک شاعر سینماست. این کارگاه، ما را به مسیری می‌برد که ما با روایت صوتی و تصویری روبه‌رو می‌شویم».

کیارستمی درحالی این روزها به آمریکای مرکزی سفر کرده است که در هفته‌های گذشته نیز سفرهایی به ترکیه و کانادا داشت تا در مراسم افتتاح نمایشگاه‌های عکس خود شرکت کند. نمایشگاهی از عکس‌های دیده‌نشده یا کمتردیده‌شده او دی‌ماه سال جاری در شهر آنکارای ترکیه به نمایش درآمد. شه‌ریور سال جاری هم با حضور در تورنتو در کشور کانادا، نمایشگاه عکس‌های خود را با عنوان «درهای بی‌کلید» در موزه آقاخان افتتاح کرد. او همچنین از یازدهم دی، جدیدترین آثارش را در گالری «یوم» تهران به تماشا گذاشت؛ همان گالری‌ای که چهارم اسفند ۹۱ با مجموعه «سفیدبرفی» این هنرمند افتتاح شد. «چهار فصل»، منتخبی از ۳۰ سال عکاسی این هنرمند است که تا ۲۷م بهمن ماه موزه «ویس یادن» آلمان شده بود. سال گذشته هم در نمایشگاه «نوست‌گرای در هنر معاصر ایران» عکس‌هایی از مجموعه «درهای بی‌کلید» کیارستمی به همراه عکس‌های دوران قاجار بهمن جلایی، آینه‌ها و چلچراغ‌های جمشید بیارمی و عکس‌های سروش میلانی‌زاده از مجموعه «رسانس» بیرون قاب» مورد توجه علاقه‌مندان قرار گرفت.

● پروژه بعدی هیولها چیست؟

کار بعدی ما درست در همین جایی که این نمایش تمام شد. آغاز می‌شود؛ یعنی حالا که شخصیت اصلی می‌فهمد که باید با هیولاهایش کنار بیاید و صلح و آرامش او را فرامی‌گیرد اما نمی‌خواهد همه عمرش را در یک تخت بگذراند. می‌خواهد بداند چه چیزی در انتظارش است و چه برایش پیش خواهد آمد. اگر در این نمایش می‌خواستیم بگوییم که با وجود ترس‌هایم چگونه به خواب بروم، در نمایش بعدی خواهیم گفت که چگونه در دنیای دیگری به آرامش خواهیم رسید.

● **رژارد نروال داستان اورلیای خود را با این جمله شروع می‌کند که خواب زندگی دوم است. آیا در زمان کار روی ایده به مفهوم خواب و خواب‌دیدن هم فکر کرده‌اید؟**

در این پروژه نه خیلی زیاد، ولی در نمایش بعدی حتما راجع به بازتاب خواب در زندگی کار خواهیم کرد.

● **اما لحظه‌هایی در نمایش شما وجود دارد که مرز بین خیال و واقعیت از بین می‌رود. مثلاً وقتی شخصیت با تاجی بر سر، پایین تخت چرت می‌زند و رویدادهای بعدی برایش پیش می‌آید.**

بله درست است. از این منظر به کار نگاه نکرده بودم.

● **در همین لحظه‌هاست که تماشاگر از خود می‌پرسد آیا شخصیت نمایش دارد خواب می‌بیند؟**

بله، این سؤال را هنگام اجرا از دهان بچه‌ها شنیدم. درواقع این سکوت است که این کار را می‌کند و هم‌زمان با اجرای من، کودک هم در حال نوشتن سناریوی خودش است. او می‌فهمد که من به‌عنوان بازیگر در دنیای ملموس و مادی هستم، اما اتفاقاتی که برایم پیش می‌آیند واقعی نیستند، بنابراین می‌توانند خواب باشند.

● **لطفا درباره صداهای ابتدای نمایش بگویید. آیا این صداهای ذهنی شخصیت است که کودکی‌اش را به یاد می‌آورد؟**

برای اجراهایی که در ایران و در جشنواره فجر داشتیم، تصمیم داشتیم که صدای کودکی را ب زبان فارسی ضبط کنیم که درباره ترس‌هایش حرف می‌زند. تا برای تماشاگر ایرانی باورپذیرتر باشد اما به دلیل کمبود وقت امکان‌پذیر نشد. در واقع وقتی کودکی وارد سالن می‌شود و صدای کودکی دیگر را می‌شنود که از هیولاه یا یا ترس‌هایش حرف می‌زند، برای او هم آشنایی‌زدایی پیش می‌آید. از طرفی برای خود من هم این صدا خیلی نوستالژیک است و می‌تواند هر تماشاگر بزرگ‌سالی را هم به دوران کودکی‌اش بازگرداند.

● **این نخستین بار است که به ایران می‌آیید؟**

بله، من یکشنبه رسیده‌ام و چهارشنبه هم بازمی‌گردم. چون پنجشنبه باید همین کار را در لوکرامبورگ اجرا کنم. ولی در همین مدت کوتاه هم خیلی با ایران و مردم میهمان‌نوازش اخت شدم. این تقاضم بسیار اهمیت دارد و فصل جدیدی در روابط بین‌الملل ورق خورده است.

اعتراض هنرمندان به یک بی‌احترامی

توهین به معتمد آریا، توهین به سینماست

داخل کشور نیز با این هنرمندان با احترام برخورد شود». رئیس هیات‌مدیره انجمن صنفی بازیگران و سینمای ایران همچنین این اتفاق را به‌شدت محکوم کرد و حساب عموم مردم کاشان را از عده‌ای که این رفتار از آنها سر زده است، جدا دانست.

پرویز پرستویی هم در اینستاگرامش نوشت:

حتما در دنیای مجازی و رسانه‌ها شنیدید که چه توهینی به بازیگر آریا زنده و همکار خوب من در کاشان، شهر سهراب سپهری، شده. فقط می‌تویم بگم برای اون دسته از هم‌وطنانی که مرتکب چنین عمل زشت و پست شده‌اند، متأسفم؛ چراکه معتمدآریا دشمن نیست، بلکه یکی از هنرمندان خوب کشورمان است. چه خوب است که دوغ را از دوشاب تشخیص ندهیم. این برخورد شایسته با یک هنرمند نیست، یادمان باشد با کسانی که سرمایه‌های مملکت را غارت کردند چنین برخوردی نکردیم. مهتاز افشار با انتشار تصویری از معتمدآریا در اکانت توئیتر خود نوشت: «مگر می‌شود «گیلانه» ما را، «روسری آبی» ما را، فاطمه معتمدآریا ما را دوست نداشت؟».

هفت جهان

اعلام اسامی نامزدهای جوایز «سزار» فرانسه



● **شرق:** مدیر آکادمی علوم و هنرهای فرانسه، اسامی نامزدهای چهارویکمین جوایز سزار را اعلام کرد. بنابرگزارش «ورایتی»، فیلم‌های «مارگریت» ساخته زاویر جیانولی، «سال‌های طلایی من» ساخته آرنو دپلشن، «اسب وحشی» و «تربیان گفت: مایکل ارگنون – که نامزد دریافت جایزه اسکار بود-» فیلم «دیبان» به کارگردانی ژاک اودیبار که جایزه نخل طلا را دریافت کرد، در صدر فهرست نامزدهای دریافت جوایز سزار امسال قرار دارند.
الین تریزان، مدیر آکادمی علوم و هنرهای فرانسه، روز گذشته اسامی نامزدهای چهارویکمین جوایز سزار را در یک نشست خبری اعلام کرد. تریزان گفت: «مایکل داگلاس دریافت‌کننده جایزه سزار افتخاری امسال است؛ جایزه‌ای که سال قبل به شان پن اهدا شده بود. داگلاس پیش از این هم در سال ۱۹۹۸ برنده جایزه افتخاری سزار شده بود». در فیلم «مارگریت» که داستانش در دهه ۱۹۲۰ اتفاق می‌افتد، کاترین فراست نقش زنی ثروتمند را بازی می‌کند که می‌خواهد حتی با وجود استعدادهای محدودش، یک خواننده اپرا شود. این فیلم که در جشنواره ونیز پیش‌نمایش شده بود، نامزد دریافت ۱۱ جایزه سزار شده است. «سال‌های طلایی من» که در بخش دو هفته کارگردان‌های جشنواره کن برای اولین‌بار به نمایش درآمد، نیز نامزد دریافت ۱۱ جایزه است. در این فیلم درام که بازیگران زیادی حضور دارند، پال (با بازی متیو آمارلیک) شخصیت محوری است که به گذشته‌هایش فکر می‌کند و خط داستانی فیلم را شکل می‌دهد. فیلم «دیبان» نامزد دریافت ۹ جایزه اورجینال و فیلم «اسب وحشی» هم در رقابت با «دیبان» نامزد دریافت ۹ جایزه سزار شده‌اند. فیلم اخیر، داستان پنج خواهر را تعریف می‌کند که می‌خواهند از فضای خانوادگی سنتی‌شان در شمال ترکیه، رها شوند.

زیر آسمان فیر وزمادی

کنسرتی برای گیلکی‌ها



● **شرق:** گروه موسیقی «سپهر» کنسرت فارسی و گیلکی خود را در رودسر برگزار می‌کند. گروه موسیقی سپهر کنسرت‌هایش را از ۱۵ تا ۱۸ بهمن به خوانندگی و سرپرستی عزیز قاسم‌زاده‌لیاسی، این‌بار در رودسر برگزار می‌کند. این گروه در سال گذشته در شهرهای لنگرود، انزلی، یزد و تهران روی صحنه رفته است. گروه موسیقی سپهر این‌بار در دو بخش فارسی و گیلکی به اجرای برنامه می‌پردازد. در بخش فارسی این گروه آثار خاطرانگیزی را از آواز بیات اصفهان همراه آثاری تازه اجرا می‌کند. مهم‌ترین اثر این دوره از فعالیت‌های این گروه، کاری به نام «تصفیف آواز قافیه‌بوه» روی غزلی از شیون فومنی است. این کار تلفیقی از تصنیف و آواز ایرانی همراه ریتم است که آهنگ‌سازی و تنظیم آن را اسماعیل ملاپور انجام داده است. عزیز قاسم‌زاده را این‌بار مجید جمشیدی با سنتور، اسماعیل ملاپور، تار و سه‌تار، پیمان شعبانی، کمانچه و ویلن، عارف کوهی عود، علی پژمان، پیانو و سهیل جمشیدی با تنبک همراهی می‌کنند. کنسرت گروه موسیقی سپهر در ساعت هفت عصر از ۱۵ تا ۱۸ بهمن در سالن شهید آوینی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی رودسر برگزار می‌شود.

گالری گردی

نوحط‌کهن به روایت ۲۳ هنرمند درگالری مژه

● **شرق:** گالری مژه‌ه در رویدادی موضوعی که رویکردی پژوهشی را مدنظر دارد، چند دهه گرایش‌های نوین نقاشیخط ایران را عصر جمعه نهم بهمن به معرض تماشا و بررسی می‌گذارد. «نو خط کهن» عنوان این نمایشگاه است که در آن ۲۳ هنرمند از سه نسل هنرمندان معاصر، زوایایی کواکون از نقاشیخط ایران و سیر تحول تاریخی آن را عرضه می‌کنند. «نو خط کهن» عصر نهم بهمن در گالری مژه به نشانی سعادت‌آباد، خیابان علامه شمالی، خیابان هجدهم شرقی، پلاک ۲۷، واحد یک افتتاح می‌شود؛ علاقه‌مندان می‌توانند تا ۲۳ بهمن همه‌روزه از ساعت ۱۱ الی ۱۹ و در روزهای تعطیل از ساعت ۱۶ الی ۱۹ از این گالری دیدن کنند.